

الدرس السادس عشر

تعطيلات = عطلة

توچکاري کني؟ أنت ماذا تفعل؟

من مي مانم = أنا أبقى

من نمي مانم = أنا لا أبقى

در تهران = في طهران

از تهران = من طهران

به شيراز = الى شيراز

من مي روم = أنا أذهب

کي ؟ متى؟

جمعه = الجمعة

تومي آيي = أنت تأتي

از شيراز به تهران مي آيي ؟ تأتي من شيراز الى طهران؟

من فکر مي کنم = أنا أتصور

جمعه بعد = الجمعة القادمة

تقريباً = تقريباً

یک هفته = أسبوع واحد

تو مي ماني = أنت تبقى

کشورت = بلادك،

تونمي روي = أنت لا تذهب

من نمي توانم = أنا لا أستطيع

من کار دارم = أنا لي عمل

از فردا = من الغد

من به سر کار مي روم = أنا أذهب للعمل

جدي = حقاً؟ بجد؟

چه کاري = أي عمل؟

دفتر روزنامه = مكتب صحيفة

من ترجمه مي کنم = أنا أترجم

من از عربي به فارسي ترجمه مي کنم = أنا أترجم من العربية الى الفارسية

مقاله = مقال

مصاحبه = مقابلة

خبر = خبر

عالي است = ممتاز، رائع

موفق باشي = موفق

نستمع الآن إلسالحوار بين الزميلين:

محمد: على! تو در تعطيلات چه کار می کنی؟

محمد: علي! أنت ماذا تفعل في العطلة؟

علي: من در تهران نمی مانم. به شیراز می روم.

علي: انا لا أبقى في طهران. أذهب الى شیراز.

محمد: کی به شیراز می روی؟

محمد: متى تذهب الى شیراز؟

علي: جمعه به شیراز می روم.

علي: أذهب الى شیراز الجمعة.

محمد: کی از شیراز به تهران می آیی؟

محمد: متى تأتي من شیراز الى طهران؟

علي: فکر می کنم جمعة آینده به تهران می آیم.

علي: أظن اني سأتي الجمعة القادمة الى طهران.

محمد: پس تقریباً يك هفته در شیراز می مانی.

محمد: إذن تبقى أسبوعاً واحداً تقريباً في شیراز.

علي: بله. تو چه کار می کنی؟ به کشورت نمی روی؟

علي: نعم. أنت ماذا تفعل؟ لا تذهب الى بلدك؟

محمد: نه. نمی توانم. کار پیدا کردم. از فردا به سر کار می روم.

محمد: لا. لا أستطيع. حصلت على عمل. من الغد أذهب الى العمل.

علي: جدی؟ چه کاری؟

علي: حقاً؟ أي عمل؟

محمد: من از فردا در دفتر روزنامه ترجمه می کنم.

محمد: من الغد أترجم في مكتب الجريدة.

علی: چه ترجمه می کنی؟

علی: ماذا تترجم؟

محمد: مقاله، مصاحبه، خبر... از عربی به فارسی ترجمه می کنم.

محمد: مقالة، مقابلة ، خبر... أترجم من العربية الى الفارسية.

علی: عالی است. موفق باشی.

علی: ممتاز. موفق.

محمد: متشکرم.

محمد: شكراً.

نستمع الى الحوار مرة اخرى بالفارسية فقط.

محمد: علی! تو در تعطیلات چه کار می کنی؟

علی: من در تهران نمی مانم. به شیراز می روم.

محمد: کی به شیراز می روی؟

علی: جمعه به شیراز می روم.

محمد: کی از شیراز به تهران می آیی؟

علی: فکر می کنم جمعه آینده به تهران می آیم.

محمد: پس تقريباً يك هفته در شیراز می مانی.

علی: بله. تو چه کار می کنی؟ به کشورت نمی روی؟

محمد: نه. نمی توانم. کار پیدا کردم. از فردا به سر کار می روم.

علی: جدی؟ چه کاری؟

محمد: من از فردا در دفتر روزنامه ترجمه می کنم.

علی: چه ترجمه می کنی؟

محمد: مقاله، مصاحبه، خبر... از عربی به فارسی ترجمه می کنم.

علی: عالی است. موفق باشی.

محمد: متشکرم.